حادثه‌ها

مرگ دلخراش مادر و فرزند ایرانی در دوبی

■ **شرق:** یک زن ۳۳ساله ایرانی خود را از طبقه هشتم یک برج مسکونی در دوبی به پایین پرت کرد و جان باخت. به گفته پلیس امارات، این زن ایرانی برای سوار کردن دختر ۱۴ساله خود به اتوبوس مدرسه از آپارتمانش خارج شده و به پایین برج رفته بود. هنگامی که او و دخترش در انتظار رسیدن اتوبوس مدرسه بودند، فرزند دیگر این زن که یک پسر پنج‌ساله بود از پنجره آپارتمان مشغول تماشای آنان بود اما ناگهان به پایین پرتاب شد و در برابر چشمان حیرت‌زده مادر و خواهرش با زمین برخورد کرد و جان باخت. زن مصیبت‌زده که در اثر دیدن صحنه دلخراش برخورد کودکش با زمین و جان دادن او دچار شوک روانی شده و کنترل خود را از دست داده بود به سرعت از پله‌ها بالا رفت و خود را به آپارتمان مسکونی‌اش رساند. او سپس در یک تصمیم ناگهانی خود را از همان پنجره‌ای که پسرش از آن سقوط کرده بود به پایین پرتاب کرد و کنار جسد فرزندش جان سپرد. این گزارش حاکی است دختر ۱۴ساله این زن که در زمانی کوتاه شاهد صحنه دلخراش جان باختن مادر و برادر خردسالش بوده هم‌اکنون دچار شوک روانی شدید شده و در بیمارستان بستری است. پیکر این مادر و فرزند ایرانی هم اکنون به بیمارستان «رشید» دوبی منتقل شده است. همسر زن جان‌باخته به هنگام حادثه در مسافرت به سر می‌برده و پس از شنیدن خبر این حادثه دلخراش در حال بازگشت به دوبی است.

دستگیری کلاهبردار ۷۴ هزار دلاری

■ **پلیس‌خبر:** مردی که با جعل رسید اینترنتی بانکی دست به کلاهبرداری ۷۴ هزار دلاری زده بود، دستگیر شد. چندی قبل شخصی با مراجعه به پلیس فتای کیش طی شکایتی گفت: «من مبلغ ۷۴ هزار و ۵۰۰ دلار به حساب یکی از دوستانم واریز کردم و قرار شد او این مبلغ را از طریق یک صرافی در امارات به من پرداخت کند. چند روز بعد دوستم یک برگه حواله اینترنتی بانکی را برای من ای‌میل کرد که نشان می‌داد این پول به حساب صرافی واریز شده است و من می‌توانم آن را دریافت کنم ولی وقتی تحقیق کردم، فهمیدم این صرافی وجود خارجی ندارد و بانک هم آن رسید را تایید نکرده و در واقع از من کلاهبرداری شده است.» ماموران بعد از شنیدن این شکایت موفق به شناسایی مخفیگاه متهم شدند و او را در عملیاتی ضربتی دستگیر کردند. این مرد در اعترافاتش گفت: مبلغ ۷۴هزار دلار را از شاکی دریافت کردم و قرار بود پول را برایش واریز کنم ولی برای سرقت وسوسه شدم و با جعل رسید اینترنتی بانک به او اعلام کردم مبلغ به حساب صرافی واریز شد. بنا بر این گزارش تحقیقات از متهم ادامه دارد.

انهدام باند سرقت مسلحانه

■ **ایسنا:** فرمانده انتظامی استان بوشهر از انهدام باند بزرگ زورگیری و سرقت مسلحانه در دشتستان خبر داد. سردار رضا محمدی‌یگانه با اعلام این خبر افزود: در پی اعلام گزارش چندین فقره سرقت و زورگیری مسلحانه در حوزه استحفاظی دشتستان، بررسی موضوع و تحقیقات بیشتر در این‌باره برعهده ماموران پلیس آگاهی قرار گرفت. فرمانده انتظامی استان بوشهر ادامه داد: در تحقیقات پلیسی ماموران دو شرور سابقه‌دار را که حدود یک‌سال و نیم پیش پس از اخذ مرخصی از زندان متواری شده بودند، شناسایی کردند. وی درباره نوع فعالیت این افراد گفت: متهمان که بیشترین تعداد سرقت آنان در شش‌ماهه نخست امسال رخ داد، غالبا راه سرنشینان خودروهای عبوری را سد می‌کردند و پس از تهدید به وسیله سلاح سرد و گرم اموال به‌ویژه طلا و پول نقد آنان را سرقت می‌کردند. فرمانده انتظامی بوشهر با بیان اینکه درگیری مسلحانه‌ای نیز میان متهمان و پلیس صورت گرفت، خاطر نشان کرد: دو متهم هنگامی که قصد داشتند با تهدید سلاح از خانواده‌ای که به بوشهر سفر کرده بودند، زورگیری کنند، توسط پلیس شناسایی شدند، سپس حدود ۴۰ تیر به سمت پلیس شلیک کردند. محمدی‌یگانه افزود: پلیس با توجه به اینکه در محل افراد دیگری نیز حضور داشتند، از تیراندازی به سوی متهمان خودداری کرد، به همین دلیل متهمان از محل متواری شدند اما چند دستگاه تلفن همراه از آنان در محل باقی مانده بود که عوامل پلیس با استفاده از آن، این افراد را در شیراز ردیابی و شناسایی کردند. وی با بیان اینکه دو متهم در شیراز دستگیر شده‌اند، تصریح کرد: متهمان پس از دستگیری، به ۳۰ فقره سرقت و زورگیری مسلحانه اعتراف کردند.

عاملان قتل مربی اسکواش شناسایی شدند

■ عاملان قتل یک مربی اسکواش شناسایی و دستگیر شدند. این مرد که میثم حمزه‌لویی نام داشت، ساعت ۱:۳۰ بامداد چهارشنبه ششم مهر در نزاع خیابانی بین چهار نفر بر سر اختلافات قبلی کشته شد. سردار کاظم علیزاده-فرمانده انتظامی لرستان- در این‌باره گفت: ۲۴ ساعت پس از وقوع این نزاع، پدر میثم که در جریان این درگیری به شدت به وسیله ضربات متعدد چاقو زخمی شده بود، به پلیس مراجعه کرد و از فوت پسرش به علت شدت جراحات وارده خبر داد که پس از شنیدن این خبر ماموران پلیس بررسی موضوع را به طور ویژه در دستور کار خود قرار دادند. فرمانده انتظامی استان لرستان از شناسایی و کسب اطلاعات اولیه از دو متهم فراری خبر داد و گفت: با اطلاعات به دست آمده و تلاش پلیس به زودی دو متهم فراری دستگیر می‌شوند.

اعترافات جوان قاتل نامادری:

مرگ برای من بهتر از هر چیز است

شرق: پسر جوانی که متهم به قتل نامادری‌اش است در جلسه محاکمه درحالی‌که به شدت می‌لرزید و گریه می‌کرد، از سرگذشت‌اش گفت که او را به یک قاتل تبدیل کرد.

به گزارش خبرنگار ما، این جوان که مهدی نام دارد، سوم بهمن ماه دو سال قبل، نامادری‌اش جیران را به قتل رساند و بعد از چند ماه، بازداشت شد. اولین کسی که در جلسه محاکمه مهدی صحبت کرد، روشن نماینده دادستان تهران بود که خطاب به قضات شعبه ۷۷ دادگاه کیفری استان تهران گفت: متهم، جوانی ۲۲ساله است که نامادری‌اش جیران را به قتل رساند و جسد او را آتش زد. هرچند متهم در ابتدا سعی داشت از دست ماموران فرار کند، در نهایت بازداشت شد و به قتل اعتراف کرد. بنابراین به عنوان نماینده دادستان تهران درخواست صدور حکم قانونی درخصوص اتهام قتل جیران و جنایت بر میت و سرقت جواهرات مقتول را دارم. در ادامه پدرومادر جیران در جایگاه حاضر شدند و برای قاتل درخواست صدور حکم قصاص کردند. آنها پذیرفتند برای اجرای حکم، تفاضل دیه را هم بپردازند. در ادامه جلسه، متهم به قتل به دفاع از خودش پرداخت او گفت: «من جیران را کشتم اما شما فقط به این توجه می‌کنید که یک زن کشته شده، بدون اینکه بدانید بر قاتل چه گذشته است. این من بودم که جیران را کشتم و او را خفه کردم چون از آن همه بدبختی و بدرفتاری‌های نامادری خسته شده بودم. از وقتی به یاد دارم زیر دست نامادری بزرگ شدم. وقتی نوزاد بودم پدرم، مادرم را طلاق داد و من زیر دست نامادری بزرگ شدم. خیلی سختی می‌کشیدم، کسی به من توجه نمی‌کرد، خانه برای من فقط جای خواب بود نه چیز دیگر. در کوچه و خیابان بزرگ می‌شدم . از صبح زود که بیدار می‌شدم تا آخر شب در خیابان بودم. ۱۴ساله بودم که معتاد شدم، البته معتاد حرفه‌ای نبودم سیگار می‌کشیدم و خیلی کم هم مواد مصرف می‌کردم. پدرم برای اینکه از دست من راحت شود، مرا به مردی خیاط سپرد. کار را خوب یاد گرفتم و بعد از چند ما حرفه‌ای شدم. با صاحبکارم که بیشتر آشنا شدم، دیگر شب‌ها به خانه نمی‌رفتم. به بهانه کار بیشتر شب‌ها در کارگاه می‌خوابیدم. فکر می‌کردم اگر مادرم را پیدا کنم. یعنی خوشبختی را پیدا کرده‌ام. همیشه خواب مادرم را می‌دیدم تا اینکه از طریق یکی از آشنایان او را پیدا کردم ۱۴ سال از عمرم گذشته بود که مادرم را دیدم. پدرم من را به او نداده بود. وقتی که خودم خواستم پیشش بروم، این بار مادرم بود که گفت نمی‌تواند من را قبول کند. هیچ امیدی در زندگی‌ام نداشتم فقط کار می‌کردم، پدرم که فکر می‌کرد باید برایم کاری کند، به من گفت دخترعمه‌ام را برای من خواستگاری می‌کند. پیش خودم می‌گفتم سروسامان می‌گیرم و کارهایی که هیچ وقت کسی برای من نکرد، من برای پسرم می‌کنم. متهم ادامه‌داد: در این‌سال‌ها پدرم همسر دومش را طلاق داده بود. من یک خواهر و برادر ناتنی هم داشتم که مثل من بدبخت شده بودند. پدرم حاضر نبود آنها را به مادرشان بدهد. من دلم برایشان می‌سوخت، خصوصا برای خواهرم. تصمیم داشتم بعد از ازدواجم برای آنها کاری بکنم. روز خواستگاری فرارسید ما به اردبیل رفته‌بودیم میهمان‌ها آمده بودند و من هم با گل و شیرینی در خانه عمه‌ام بودم. پدرم

عکس: شرق

به من گفته بود تو برو من خیلی زود می‌آیم. ساعت‌ها منتظر پدرم نشستیم اما نیامد و مراسم خواستگاری بهم خورد. بعد از چند ساعت وقتی پدرم آمد، متوجه شدم به جای آمدن به مجلس خواستگاری برای من به خواستگاری جیران رفته تا با او ازدواج کند. پدرم هیچ ارزشی برای من قایل نبود. به تهران برگشتیم من خیلی ناامید و تنها بودم و مصرف موادم بیشتر شده بود. کم‌کم رفتارهای جیران بد شد و من که از همان ابتدا هم از او بدم می‌آمد، نمی‌توانستم رفتارهایش را تحمل کنم. زورش به من نمی‌رسید اما خواهر و برادر کوچکم را خیلی اذیت می‌کرد و آنها را کتک می‌زد. وقتی خواهرم را کتک می‌زد، آنقدر عصبی می‌شدم که نمی‌توانستم خودم را کنترل کنم. خواهرم را خیلی دوست داشتم او لاغر و ضعیف بود و نمی‌توانست ضربات جیران را تحمل کند. مهدی در ادامه گفت: «جیران پدرم را علیه ما تحریک می‌کرد. پدرم با من دعوا می‌کرد و من سعی داشتم خیلی کم در خانه باشم و بیشتر در کارگاه می‌ماندم. روز حادثه صبح زود پدرم من را بیدار کرد و گفت بلند شو برو سرکار اما من خوابیدم، حوصله نداشتم بروم تا ساعت هشت خوابیدم و یکدفعه با ضربات لگدی که جیران به من می‌زد، بیدار شدم. او آنقدر به من لگد زد که عصبانی شدم به طرفش حمله کردم و تلافی تمام این مدتی که ما را اذیت کرده بود، سرش درآوردم. دستم را روی دهانش گذاشتم و نگه داشتم، آنقدر که بی‌حال شد. یک ساعتی کنارش ماندم و با او حرف می‌زدم و کارهایی را که کرده بود، برایش تکرار می‌کردم. بعد از یک ساعت دهانش کج شد و رنگش تغییر کرد. فکر کردم سکته کرده و دارد تاوان کارهایی را که ما با کرده، پس می‌دهد اما بعد از یک ساعت هر چه او را صدا کردم، بلند نشد. فهمیدم مرده و تصمیم گرفتم جسدش را از بین ببرم. البته اول طلاها را از دست نامادری‌ام درآوردم، حدود یک و نیم میلیون می‌ارزید. بعد از دوستم خواستم بنزین بخرد و سپس جسد را به بیابانی در اسلامشهر بردیم و در آنجا آن را آتش زدم. بعد هم از خانه فرار کردم. متهم گفت: به مشهد رفتم، طلاها را فروختم و مدتی با پول آن زندگی کردم و بعد دوباره به تهران آمدم. خیاط ماهری بودم و هر جا می‌رفتم، بدون هیچ حرفی من را قبول می‌کردند تا اینکه بعد از چند ماه صاحبکارم به من شک کرد و به پلیس خبرداد و بعد هم بازداشت شدم. مهدی در پایان دفاعیاتش گفت: باید بگویم مرگ برای من بهتر از هر چیز است و اگر می‌خواهند اعدامم کنند، حرفی ندارم اما از اولیای‌دم درخواست بخشش دارم. بنا بر این گزارش در پایان هیات قضات برای صدور رای وارد شور شدند.

کلاهبرداری از شرکت‌کنندگان مسابقه ماهواره‌ای

متهم از نام سریال مختارنامه برای فریب دادن طعمه‌هایش استفاده می‌کرد

شرق: ادامه تحقیقات پلیس درباره مسابقه پیامکی با موضوع سریال مختارنامه به افشای جزییات بیشتری در این خصوص منجر شد. به گزارش خبرنگار ما، تحقیقات پلیس در این‌باره زمانی شروع شد که مدیر موسسه آفاق فیلم به دادسرای ناحیه سه تهران رفت و مدعی شد افرادی ناشناس با استفاده از نام این شرکت از شهروندان کلاهبرداری کرده‌اند. وی که این کار را ضربه بزرگی به اعتبار موسسه‌اش می‌دانست به خورشیدی، بازپرس شعبه هشتم گفت: «مدتی است به طور روزانه افراد زیادی با دفترم تماس می‌گیرند و مدعی می‌شوند در مسابقه پیامکی سریال مختارنامه برنده شده‌اند و جایزه‌شان را می‌خواهند. این درحالی است که شرکت ما تا به حال چنین مسابقه‌ای برگزار نکرده است.» پس از طرح این شکایت در بررسی‌های مقدماتی معلوم شد کلاهبرداران ناشناس به بهانه پخش سریال مختارنامه در شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان خارج از کشور و برخی مجلات، مسابقه‌ای پیامکی راه انداخته‌اند و از مخاطبان سوال‌هایی ساده می‌پرسند و چند روز بعد آنها را برنده مسابقه اعلام می‌کنند و از آنان می‌خواهند برای دریافت جایزه‌شان به حساب اعلام شده پول واریز کنند. تحقیقات همچنین فاش کرد شهروندان زیادی در این مسابقه قلابی شرکت کرده‌اند و هر کدام از آنها به امید دریافت جایزه، مبالغی بین ۳۰ تا ۵۰ هزارتومان را به عنوان هزینه پست پرداخت کرده‌اند. افرادی که در پشت پرده این کلاهبرداری بودند سوالاتی آسان مثل بهترین بازیگر مختارنامه کیست و... پرسیده و مدعی شده بودند جوایزی نظیر چرخ خیاطی، یخچال، تلویزیون LCD و... به برندگان اهدا می‌شود اما بعد از چند روز هیچ جایزه‌ای به دست برندگان نمی‌رسید. حجم گسترده فعالیت کلاهبرداران، همچنین افرادی که با شرکت فیلم‌سازی تماس گرفته بودند از میلیون‌ها تومان کلاهبرداری خبر می‌داد. این در حالی بود که بسیاری از فریب‌خوردگان به خاطر کم بودن مبلغ، ماجرای کلاهبرداری پیامکی را دنبال نکرده بودند. در چنین شرایطی تحقیقات ادامه یافت و مشخص شد شماره حسابی که مالباختگان پول‌هایشان را به آن واریز کرده‌اند با مشخصات جعلی افتتاح شده است. از این رو تجسس‌ها در شاخه‌های گوناگون ادامه یافت تا اینکه کارآگاهان به اطلاعاتی دست یافتند که نشان می‌داد فردی سابقه‌دار به نام شاهین در پشت پرده این نقشه پیچیده است.

کارآگاهان در ادامه فهمیدند سال گذشته نیز رسیدگی به پرونده‌ای با این موضوع در دستور کار قرار گرفته بود و بررسی‌ها نشان می‌داد شاهین در آن پرونده نیز دست داشته است. به این ترتیب مخفیگاه او در بزرگراه شهید ستاری شناسایی و وی بازداشت شد. او در این محل از ۱۵ نفر استفاده می‌کرد که هر کدام کارهای مشخصی را برعهده داشتند. با آغاز بازجویی‌ها از شاهین، او اتهامش را پذیرفت و گفت یکی از کارمندانش نیز به تازگی از او جدا شده و قصد دارد با استفاده از این ترفند از شهروندان کلاهبرداری کند. سرهنگ عباسعلی محمدیان، رییس پلیس آگاهی تهران بزرگ با تایید این خبر از شهروندانی که در این مسابقه شرکت کرده و جایزه‌ای دریافت نکرده یا جایزه‌هایی کم‌ارزش دریافت کرده‌اند، دعوت کرد برای طرح شکایت به اداره چهاردهم پلیس آگاهی مراجعه کنند. وی همچنین تازه‌ترین ترفند تبهکاران را افشا کرد و گفت: به تازگی یک سایت اینترنتی شروع به ثبت‌نام وامی ۱۰ میلیونی بدون ضامن و بدون سود بانکی کرده و از متقاضیان خواسته مبلغ هزار تومان به حساب مدیر شرکت واریز کنند. این مبلغ در نگاه اول بسیار ناچیز است اما کلاهبرداران با افزایش تعداد متقاضیان وام، پول کلانی به جیب می‌زنند. وقتی فردی در مسابقه‌ای برنده می‌شود لزومی ندارد هزینه ارسال جایزه را بر عهده بگیرد و ادعاهایی از این دست ترفندهایی برای کلاهبرداری‌هستند.

عکس: شرق

قاتل سرباز نیروی انتظامی در دادگاه مطرح کرد

ادعای فراموشی صحنه قتل

شرق: جوانی که حین فرار از دست پلیس، سرباز وظیفه‌ای را به گاردریل کوبیده و به قتل رسانده‌بود در جلسه محاکمه مدعی شد، چیزی به یاد نمی‌آورد. به گزارش خبرنگار ما، در ابتدای جلسه محاکمه که در شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری‌استان تهران برگزار شد ذبیح‌زاده، نماینده دادستان تهران در توضیح کیفرخواست گفت: ۲۸ مرداد سال گذشته جوانی به نام وحید- که سرباز وظیفه نیروی انتظامی بود- در حین خدمت و زمانی که قصد داشت از فرار متهمی جلوگیری کند توسط همان متهم که عباس نام دارد، چندین‌بار به گاردریل اتوبان کوبیده شد و به قتل رسید، ماموران پلیس سه روز بعد متهم را شناسایی و بازداشت کردند. عباس در مراحل مختلف بازجویی به قتل اعتراف کرد و گفت: وقتی سوار ماشین ون پلیس شدم، ماشین روشن بود و از فرصت استفاده کردم، پشت فرمان نشستم و داشتم فرار می‌کردم که سرباز به من نزدیک و از شیشه پنجره آویزان شد که من او را به گاردریل کوبیدم و وقتی به زمین افتاد فرار کردم.

نماینده دادستان تهران گفت: با توجه به اینکه متهم به قتل اعتراف کرده و اعترافات او مقرون به واقع است درخواست صدور حکم قانونی را دارم. در ادامه پدر و مادر مقتول در برابر قضات ایستادند و برای متهم، درخواست صدور حکم قصاص کردند. در این هنگام وکیل اولیای‌دم و نماینده حقوقی نیروی انتظامی به جایگاه فراخوانده شد. او گفت: عباس در اعترافاتش گفته ماموران پلیس او را کتک زدند و به همین دلیل هم دست به قتل زده است. حتی اگر قبول کنیم که ماموران پلیس این کار را کردند، او می‌توانست شکایت و از طریق مراجع قضایی موضوع را پیگیری کند، نه اینکه جوانی بی‌گناه را حین خدمت به قتل برساند. ضمن اینکه هرچند متهم مواد محرک شیشه مصرف کرده بود، اما پزشکی قانونی او را سالم تشخیص داد و من نیز درخواست مجازات متهم را درخصوص قتل وحید و سرقت ماشین پلیس دارم.

در ادامه متهم در جایگاه حاضر شد او که جوانی ۱۹ ساله است، گفت: من چند سال بود که شیشه مصرف می‌کردم. آن روز هم در خانه یکی از دوستانم شیشه مصرف کرده بودیم البته کراک هم کشیده بودیم و در حالت عادی نبودیم. من با آژانس به سمت فلکه صادقیه رفتم و دوستم با پراید دنبالم آمد. من با راننده آژانس به خاطر صد تومان دعوا کردم و راننده درست جلو ون پلیس نگه داشت. دوستم هم توقف کرد ماموران جلو آمدند و ما را بازرسی بدنی کردند. به من شک کرده بودند آنها با پوتین به سرو کله‌ام زدند و بعد من را سوار ون کردند. ماشین روشن بود و راننده هم پیاده شده بود. هنوز داشتند دوستم را می‌گشتند که من پشت فرمان پریدم و به سمت پارک فرار کردم. ماشین را دم پارک نگه داشتم و به سراغ دوستانم که در پارک منتظر ما بودند رفتم و دوباره با هم شیشه کشیدیم. در این هنگام قاضی از متهم پرسید پس برای سرباز چه اتفاقی افتاد. او گفت: من نمی‌دانم اصلا یادم نمی‌آید سربازی آنجا بود یا نه. قاضی گفت: مدعی هستی که تو را کتک زدند آیا آثاری روی بدنت بود؟ متهم جواب داد: هیچ اثری روی بدنم نبود با پوتین به من ضربه می‌زدند. سپس قاضی پرسید: مگر چنین چیزی ممکن است، پوتین به هر جایی که بخورد حتی اگر ضربه هم آرام باشد، کبود می‌شود. متهم گفت: من نمی‌دانم ، جایش نمانده بود. متهم سپس درباره اینکه چطور به قتل سرباز اعتراف کرد گفت: نمی‌دانم به من گفتند بگو او را به گاردریل کوبیدی ، من هم هرچه گفتند را نوشتم. اما یادم نمی‌آید این کار را کرده باشم. اصلا سربازی آنجا ندیدم. به من گفتند بنویس، سربازی از پنجره ماشین آویزان شده، من هم این کار را کردم، بعد گفتند بنویس او را به گاردریل کوبیدی باز هم این کار را کردم. اصلا نمی‌دانم پلیس این اطلاعات را از کجا آورده بود.

بنا بر این گزارش، بعد از پایان جلسه محاکمه هیات قضات برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند.

پنج قاره

شاهدان علیه پزشک مایکل جکسون

خبر آنلاین: جریان محاکمه پزشک مایکل جکسون که به قتل غیرعمدی متهم شده است با شهادت شهود علیه این مرد پیش می‌رود. شاهدان از جمله پزشک بیمارستان و پزشک امداد در دادگاه لس‌آنجلس تاییدکردند، مایکل جکسون چه هنگام ورود نیروی امداد (۵ دقیقه بعد از تماس با فوریت‌های پزشکی در ۲۵ ژوئن ۲۰۰۹) و چه هنگام ورود در اتاق فوریت‌ها در بیمارستان دچار ایست قلبی شده بود. شاهدان اعلام کردند خواننده مشهور را در حالی که مرده بود، دیده‌اند و این به آن معنی است که حلقه اتهامات دکتر کنراد مورای به‌عنوان متهم ردیف اول و مقصر در مرگ مایکل جکسون تنگ‌تر شده است. دلیل ایست قلبی استفاده از دز بالای دارویی به‌نام پروپوفول اعلام شده و این در حالی است که کنراد در دادگاه گفته فقط از لورازپام استفاده کرده تا مریضش بهتر بخوابد. اگر کنراد در دادگاه محکوم شود ضمن اینکه پروانه طبابت‌اش لغو می‌شود، باید چهار سال حبس را نیز تحمل کند. دادگاه بعدی روز سه‌شنبه برگزار خواهد شد.

مرگ قاتل سریالی در زندان

فرانس پرس: یک قاتل سریالی کانادایی در زندان فوت کرد. این مرد به نام «کلیفورد اولسن» که قاتل ۱۱ نفر بود در سن ۷۱ سالگی در زندان ونکوور به مرگ طبیعی جان باخت. «اولسن» در سال ۱۹۸۱ اقدام به ربودن و تجاوز به ۱۱ نفر کرده و سپس آنان را با ضربات چاقو کشته بود. قربانیان این مرد ۹ تا ۱۸ سال داشتند.

۱۸ کشته در سانحه هوایی

آسوشیتدپرس: مقامات اندونزی از کشته‌شدن ۱۸ سرنشین هواپیما CASA 212 که روز پنجشنبه دچار سانحه شده بود، خبر دادند. این هواپیما روز پنجشنبه پس از اینکه ارتباطش را با برج مراقبت از دست داد، در غرب اندونزی سقوط کرد. نیروهای امداد و نجات بلافاصله پس از سقوط هواپیما به منطقه اعزام شدند، اما به دلیل در دسترس نبودن منطقه، امکان جست‌وجو وجود نداشت. نیروهای امداد دیروز توانستند به هواپیمای سانحه دیده برسند و جسد ۱۸ سرنشین آن را پیدا کنند. به گفته امدادگران، چهار نفر از کشته‌شدگان کودک بودند.

تصادف هواپیما با چرخ و فلک

ایسنا: یک فروند هواپیمای کوچک فوق سبک با چرخ و فلک شهربازی در استرالیا برخورد کرد. این هواپیمای مدل «چیتا اس ۲۰۰» دیروز روی چرخ و فلکی در شهربازی «ولدبار» سقوط کرد و از بدنه آن آویزان شد. به گفته پلیس، هواپیما پس از برخاستن از باند به اندازه کافی اوج نگرفت و به همین دلیل دچار این سانحه شد. مسوولان شهربازی اعلام کردند امدادگران پس از ۹۰ دقیقه توانستند دو کودک ۹ و ۱۳ ساله را که هنگام سانحه سوار چرخ و فلک بودند، سالم نجات دهند.

مرگ هنگام نصب پرده

ایسنا: پسر ۱۴ ساله‌ای در نیویورک هنگام نصب پرده از طبقه پنجم سقوط کرد و کشته شد. بنا به اعلام پلیس، این نوجوان که روی صندلی ایستاده بود، لیز خورد و از پنجره به بیرون پرت شد. به گفته مادر این پسر، او پس از اینکه از پنجره به بیرون پرت شد با درختی برخورد کرد و روی چمن بیرون از خانه افتاد. مجهزنبودن پنجره به حفاظ علت این حادثه مرگبار اعلام شده است.

نگاه

چرا پسر جوان نامادری‌اش را کشت

مریم رفعتی
روان‌شناس و مدرس دانشگاه

■ از دیدگاه روان‌شناختی، وقتی ما به عنوان انسان پا به عرصه هستی می‌گذاریم، همراه با همه خصوصیات و ویژگی‌هایمان، یکسری ویژگی‌های ژنتیک فکری را نیز با خود به دنیا می‌آوریم. این ویژگی‌ها، ابعاد مختلفی از جمله ابعاد روانی و جسمانی دارد. ویژگی‌های ژنتیک، بخش مهمی از شخصیت انسان‌ها را شکل می‌دهد اما بخش اعظم شکل‌گیری شخصیت، ناشی از محیط زندگی است. اینکه فرد در چه محیطی زندگی و رشد کرده، چه رویدادهایی در اطراف او رخ داده و او چه میزان از این رویدادها تاثیر پذیرفته است و... همه‌وهمه عواملی اجتماعی هستند که شخصیت فرد را شکل می‌دهند.

وقتی ما به دنیا می‌آییم در محیط خانواده یا دست‌کم در یک جمع حمایتگر قرار می‌گیریم. نوع رفتار و عکس‌العمل‌های اعضای خانواده یا جمع حمایتگر برای ما نوعی الگوی رفتاری است. ما در خانواده یاد می‌گیریم که در موقعیت‌های مختلف چه عکس‌العملی از خود نشان دهیم. وقتی شاد هستیم، چطور شادیمان را بروز دهیم. وقتی خشمگین هستیم، چگونه خشممان را نشان دهیم و... . ماحصل چنین آموزه‌هایی اگر درست و معقول نباشد فردی مثل جوان ۲۲ ساله که متهم به قتل است را به جامعه تحویل می‌دهد. اما آیا همه انسان‌ها افرادی بی‌اختیار و ناتوان هستند که از بدو تولد، مسیر زندگیشان مشخص است و هیچ نقشی در سرنوشت‌شان ندارند؟ به باور نگارنده ویژگی‌های ژنتیک در شکل‌دهی شخصیت افراد و جهت‌دهی به مسیر زندگیشان موثر است اما به‌طور قطع و یقین شرایط اجتماعی و محیط زندگی فرد، نقش پررنگ‌تری از ویژگی‌های ژنتیک دارد. وقتی فرد درباره خصوصیات و شرایط زندگی‌اش به خودآگاهی برسد و ظرفیت‌های وجودی‌اش را بشناسد و از سویی به این دانش دست پیدا کند که بتواند راهکارهایی برای به‌سامان کردن زندگی‌اش بیابد آنگاه ویژگی‌های ژنتیک در او کمتر دیده می‌شود. فرد در چنین شرایطی می‌تواند شرایطش را مدیریت کند و اوضاع را آن‌گونه که مایل است، دگرگون کند. اما این دگرگونی، زمانی اتفاق می‌افتد که فرد نیاز به تغییر را حس و ضرورت آن را درک کند و به این نتیجه برسد که باید چیزی در زندگی‌اش عوض شود. در چنین شرایطی با وجود تمام ناملایمات موجود در محیط زندگی، فرد می‌تواند شرایط را تغییر دهد و اوضاع را برای خودش بسامان کند. اما اگر این احساس در او ایجاد نشود و کاستی‌های زندگی‌اش را قبول نکند و دانش کافی را نیز نداشته باشد، ممکن است دچار باورهای غلط شود و در بزنگاهی تاریخی مثل جوان ۲۲ ساله مرتکب اشتباهی بزرگ شود. به‌طور قطع، آمادگی‌های ژنتیکی و فطری، محیط نابسامانی که این جوان در آن رشد کرده، مراحل رشد او در خانواده، مدرسه و جامعه، شرایط اقتصادی- اجتماعی که او در آن زندگی کرده، نیازهایی که در او وجود داشته و ارضا نشده و بحران‌های متعددی که او با آنها دست و پنجه نرم کرده... همه و همه در سودهی به رفتار او و بروز چنین حادثه تلخی موثر است.

وقتی او از کودکی در محیط ناامن و بی‌ثبات رشد کرده و چند نامادری که خودشان هم قطعا دچار مشکلات بودند را تجربه کرده و در چنین محیطی عوامل حمایتی نیز وجود نداشته تا این خلأها را پوشش دهد و کاستی‌ها را کم کند و... و از سوی دیگر او آموزش و دانش کافی را نیز پیدا نکرده که راه‌حل‌هایی مناسب را برای حل مساله بیابد، اولین راه‌حل را بهترین راه می‌داند، چنین جنایتی دور از ذهن نیست. وجود چنین فقدان‌هایی سبب می‌شود، فرد در برخورد با مسایل به جای حل مشکل به دنبال مقصر باشد و نقش قربانی را ایفا کند و مدام بگوید من مظلوم واقع شده‌ام و...

همه انسان‌ها در جامعه نیازمند وضعیت مطلوب و بسامانی برای زندگی هستند که در آن تبادل و تعامل به‌خوبی انجام شود. زمانی که این سیکل معیوب باشد، فرد به سوی رفتارهای غلط سوق پیدا می‌کند. اما اگر در نهاد خانواده و اجتماع از طریق آموزش رشد پیدا کند، خس و خاشاک کمتر مجال رشد پیدا می‌کنند.

رخداد

قتل در نزاع بر سر محل چرا

■ **ایسنا:** مردی که به دلیل اختلاف بر سر محل چرای دام در یک نزاع، فردی را با سلاح گرم از پای درآورده بود، دستگیر شد. ماموران انتظامی ملایر ظهر بیست و دوم مرداد از طریق مرکز فوریت‌های پلیسی «۱۱۰» در جریان نزاع منجر به قتل در روستای «چشم پهن» قرار گرفتند و در بازرسی از محل با جسد بی‌جان یکی از روستاییان مواجه شدند که با شلیک گلوله‌ای از پای در آمده بود. کارآگاهان در تحقیقات اولیه دریافتند بین چند نفر از روستاییان بر سر محل چرای دام اختلافی پیش آمده بود که این اختلاف به درگیری مسلحانه منجر شد. کارآگاهان در ادامه، هفت نفر از عاملان این نزاع را شناسایی و دستگیر کردند. همچنین ماموران در بازرسی از این افراد سه قبضه سلاح و مهمات کشف و ضبط کردند و با تحقیقات بیشتر دریافتند متهم به قتل و عامل اصلی نزاع قبل از حضور ماموران پلیس از محل حادثه متواری شده است. ماموران با کسب این خبر، شناسایی و دستگیری قاتل را در دستور کار خود قرار دادند تا اینکه با انجام اقدامات فنی و پلیسی سرانجام متهم را که «عسگر» نام دارد، دستگیر کردند.